



بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع صحبت امروز «ادواردو و موضوع زن و حجاب در اسلام و غرب» است. ابتدا برای کسانی که با او آشنا نیستند توضیحی در مورد ادواردو می‌دهم. [ادواردو پسر میلیاردر معروف ایتالیایی](#)، صاحب کارخانه اتومبیل سازی فیات و باشگاه فوتبال یوونتوس بود. او در ۲۰ سالگی، چهار سال قبل از انقلاب مسلمان شد و در سال ۵۹ به دنبال [پخش یک مناظره ای از من در تلویزیون ایتالیا](#) که با این جمله شروع کرده بودم «[به نام خداوند قوی‌تر از](#)



[ناوهای آمریکا».](#)



او تصمیم به دوستی با من می‌گیرد و من از آن موقع با این جوان مسلمان آشنا شدم و در اولین جلسات شیعه شد. او بر اسلام خودش علی رغم فشار خانواده پایبند بود و در نهایت در سال ۷۹ به دست صهیونیست‌ها به شهادت رسید. البته ایتالیا آن را خودکشی جلوه دادند. در مورد او در ایران [فیلم مستندی](#) هم نمایش داده شد که مورد استقبال شدید مردم هم قرار گرفت.

در یکی از سفرهایی که ادواردو به همراه [یکی از دوستانش](#)<sup>۱</sup> به ایران آمده بود، ادواردو به من گفت: من با دوستم صحبت کرده‌ام او را تا مرز اسلام جلو آورده‌ام اما نتوانستم مسلمانش کنم، فکر می‌کنم فقط یک هل لازم داشته باشد برای اینکه مسلمان شود. ادواردو به من گفت: تو با او صحبت کن ببین می‌توانی مسلمانش کنی؟ من دو ساعت با این جوان در هتل آزادی تهران در همان ایام صحبت کردم و او مسلمان و شیعه شد. در صحبتی که با او داشتم احساس کردم در مورد فلسفه کل اسلام



ادواردو او را قانع کرده و در حقیقت او را به مرز اسلام آورده، اما با توجه به شناختی که در مورد تبلیغات غرب به خصوص زن و حجاب در اسلام داشتم و می‌دانستم چه تبلیغات منفی صورت می‌گیرد، احساس کردم که شاید این گره ای باشد در ذهنش که اگر این موضوع را من روشن بکنم او مسلمان می‌شود و در مورد این موضوع توضیح دادم و درست فهمیده بودم و او در همان جلسه مسلمان و شیعه شد. من در جلساتی که در دانشگاه‌های مختلفی داشتم، این موضوع را در بین صحبت‌هایم مطرح کردم و با این سؤال از طرف دانشجویان مواجه شدم که شما به این جوان چه گفته‌اید در مورد حجاب و زن که شیعه شد؟! به خصوص که این جوان هم میلیاردر ایتالیایی بود، پسر یکی از بزرگترین تولید کنندگان و صادر کنندگان شراب در ایتالیا.

<sup>۱</sup> - نام این فرد لوکا گانتانی لوانلی بود که حدود ۷ سال پیش وی نیز به دست صهیونیست‌ها به شهادت رسید و قتل وی را نیز مثل قتل ادواردو آنیلی خودکشی جلوه‌دادند و حسد وی نیز مثل جسد ادواردو در زیر پلی شهادت رسید.

(تصویر برادرِ لوکا)



با توضیحی که دادم استقبال خوبی به عمل آمد و باعث شد که من حتی چند جلسه مستقل صرفاً در مورد مسئله زن و حجاب در دانشگاه‌ها داشته باشم و باز هم استقبال شد. افرادی از دانشجویان دختر و پسر مراجعه کردند و گفتند: امروز برای ما مسئله حجاب حل شد. تا کنون ما

در موردش مشکل داشتیم. به دنبال این مسئله یک بار نشستیم داشتیم و ضبط شد. صحبتی تحت همین عنوان، منتهی چون کیفیت ضبط پایین بود، قرار شد با کیفیت بالاتری ضبط شود که الآن ما در خدمت شما هستیم. و اما بحثی که با دوست ادواردو مطرح کردم و الآن اینجا تکرار می‌کنم یعنی «زن و حجاب در اسلام و غرب» در خدمتتان هستیم. البته بحثی که با او کردم به این مفصلی که الآن خدمتتان مطرح می‌کنم نبود.

اما شامل این مطالب بود. که با اجازه شما وارد بحث می‌شویم.

قبل از اینکه من به بحث حجاب در اسلام و زن در اسلام بپردازم، دو خاطره را می‌خواهم عرض بکنم که ورود به بحث شده باشد.

### بازدید از مرکز بزرگ بیوتکنولوژی

در یک سفری که من داشته‌ام به یکی از اقمار شوروی سابق از یکی از مراکز بزرگ بیوتکنولوژی آنجا به همراه یکی از مقامات عالی رتبه کشورمان [\[مرحوم دکتر حسن حبیبی موقعی که معاون اول رئیس جمهور بود\]](#) بازدید می‌کردیم. این ماجرا مربوط به چند سال [۱۸ سال] پیش است. در آنجا برای ما توضیح می‌دادند که کار این مرکز بیوتکنولوژی که یکی از بزرگترین مراکز جهانی بود، این بود که مبارزه بکند با آفات گیاهی، البته نه از طریق بکارگیری مواد شیمیایی زیرا که مواد شیمیایی به خود

محصول آسیب می‌رسانند. به طور مثال فرض کنید پشه‌هایی هستند که این پشه‌ها آفات را می‌خورند. آنها آن پشه‌ها را پرورش می‌دهند یا راه‌هایی از این طریق برای مبارزه طبیعی با آفات را پیدا می‌کنند. در نتیجه هم آفت از بین می‌رود، هم محصولات آسیب نمی‌بینند. ما در بازدیدی که داشتیم، ظرفی را دیدیم که به نظر خالی می‌آمد ولی برای ما توضیح دادند که پر است از آفت، آفتی که با چشم دیدنش بسیار مشکل بود، اینقدر ریز بودند. انبوهی از این آفت‌ها خیلی کم‌رنگ جلوه می‌کرد. از آنها پرسیدیم که شما راجع به این آفت چه کردید؟ گفتند یکی از آفاتی است که به گیاهان خیلی زیان می‌رساند. ما فکر کردیم که چگونه می‌توانیم این آفت را از بین ببریم. گفتیم اگر بتوانیم کاری کنیم که تولید مثل نکنند موفق شده‌ایم. برای اینکه تولید مثل نکنند باید جفت‌گیری صورت نمی‌گرفت. ما بررسی کردیم و با مطالعاتی که صورت گرفت فهمیدیم که نحوه جفت‌گیریشان به چه صورت است. این‌گونه بود که در یک فصلی از سال در یک زمان مشخصی بویی از آفت ماده ساطع می‌شد و نر که هیچ‌کدام از آنها که بینایی نداشتند، این بو را دنبال می‌کرد تا به ماده برسد و بعد جفت‌گیری و بعد تولید مثل و همین‌طوری افزایش آفت‌ها.

گفتند با بررسی که کردیم کشف کردیم که این بو از چه ماده‌ای است و آن ماده از چه ترکیبی درست شده و آن ترکیب را کشف کردیم و نوع مصنوعی‌اش را ساختیم و راه مبارزه با آفت را پیدا کردیم. گفتیم: چه کار کرده‌اید؟ گفتند در آن فصل از سال که فصل جفت‌گیری آفت‌ها بود ما این ماده مصنوعی مشابه اصل را روی کاغذ و مقوا می‌کشیدیم. این را در نقاط مختلف باغ یا مزرعه آویزان می‌کردیم. بنابراین بو از همه اطراف می‌آید. این‌طوری جنس نر جنس ماده را پیدا نمی‌کند. بنابراین جفت‌گیری نمی‌شود و آفت از بین می‌رود بدون اینکه هیچ سمی بکار برود.

می‌بینیم راه حلی که آنها پیدا کردند به دنبال تشخیص راز بقا این موجودات ریزی بود که به چشم هم دیده نمی‌شوند.

کشف این رازها خیلی به فهم مسائل کمک می‌کند.

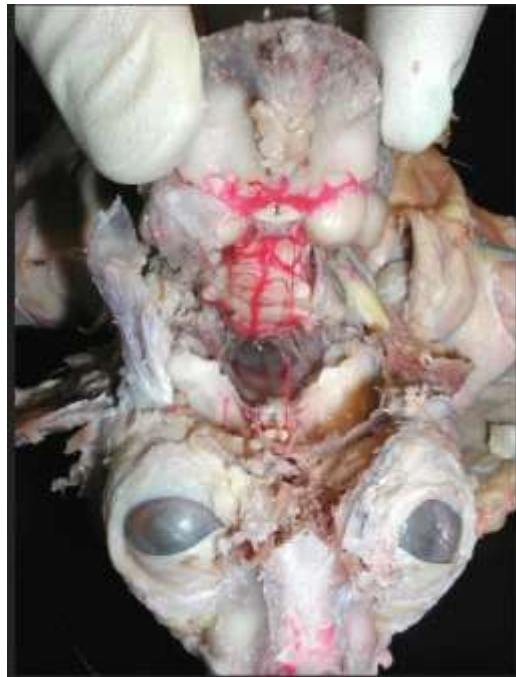
## آزمایش بر روی گربه

این یک موضوعی که می‌خواهم از آن در مورد بحثمان استفاده کنم است. موضوع دوم در استرالیا که سفیر بودم، بازدیدی داشتیم در دانشگاه، در آنجا یک سالنی بود پر از تجهیزات مفصل و فراوان حتی راه رفتن

در این سالن بزرگ به دلیل انبوه این تجهیزات مشکل بود. گربه ای را خوابانده بودند و مجسمه‌اش را برداشته بودند. مغزش پیدا بود.

این گربه نمرده بود اما بی هوش بود. هوشیار نبود. چشم‌های این گربه را هم باز نگه داشته بودند.

دستگاه‌های مختلفی به او وصل بود و نمودارهایی از این دستگاه‌ها خارج می‌شد.



آن دانشمندان که روی گربه کار می‌کردند برای ما گفتند: ما در مقابل چشم گربه بی هوش حرکتی را انجام می‌دهیم و تصاویری را عبور می‌دهیم و عکس‌العمل را در مغز بررسی می‌کنیم. این‌طوری است که می‌توانند بفهمند کدام بخش از مغز چه وظیفه ای را بر عهده دارد. با وجود اینکه گربه احساس نمی‌کرد چیزی را می‌بیند اما چون چشم شفاف است و این نور عبور می‌کند، چشم می‌بیند اما در نقطه ای از مغز این انتقال صورت نمی‌گیرد. مغز این را می‌گیرد تأثیر می‌پذیرد اما خود گربه متوجه این تأثیرش نمی‌شود.

## تأثیر پذیری مغز انسان

در مورد انسان هم این صدق می‌کند ما در شب که خواب هستیم گوش‌هایمان صداهایی را می‌شنود و این پره‌ها حرکت می‌کنند اما ما احساس نمی‌کنیم چیزی را شنیده‌ایم یا حتی اگر چشم باز باشد و ما خواب باشیم، این نور درون چشم ما می‌رود، این تصویر گرفته می‌شود اما ما حس نمی‌کنیم. تصویر را داریم و از آن تأثیر می‌پذیریم.

این هم رازی بود از رازهای خلقت و بسیاری از اختراعات در جهان بر اساس کشف رازهای خلقت است. اما اگر بیابیم سراغ انسان که موضوع بحث امروز ما است، ما اگر رازهای خلقت را بشناسیم می‌توانیم به راه‌حلهایی که برای مصلحت بشر لازم می‌شود، پی ببریم و با شناخت این رازها می‌توانیم راه‌حل‌های مناسبی را ارائه بدهیم.

## نعمت لذت در رفع نیازها

انسان موجودی است که خداوند آن را با ویژگی‌های خاص آفریده است. یکی از ویژگی‌های انسان این است که برای ادامه زندگی خودش، نیاز به کسب انرژی دارد و این انرژی از طریق خوردن تأمین می‌شود.

خداوند که ارحم الراحمین است خواسته این نیاز ما توأم با لذت برطرف شود. لذا این همه محصولات متنوع که خدا آفریده و آن قدرت چشایی که در بدن ما قرار داده، به خاطر این است که این نیازمان را توأم با لذت برطرف کنیم. خدا لطفش بی‌کران بوده که این از خصوصیت‌های ویژه و از نعمت‌های الهی است که جای شکر دارد. اگر ما برای بقای خودمان ناچار بودیم غذای تلخ و محصولات تلخ هم بخوریم این کار را

می‌کردیم همان‌طور که امروز برای سلامتیمان داروهای تلخ را می‌خوریم. اما خدا نخواست با نعمت‌های فراوانی که آفریده این تلخی وجود داشته باشد.

از رازهای دیگر خلقت که البته این را دیگر نمی‌شود راز گفت، از خصوصیات ویژه خلقت یکی‌اش این است که برای بقای بشر باید ازدواج صورت بگیرد. ارتباط بین زن و مرد، این هم از الطاف الهی است و خداوند خواست این نیاز و ضرورت هم توأم با عشق و صفا، صمیمیت و محبت و لذت باشد. لذا در خلقت زن و مرد، جذابیت متقابل جنسی را قرار داد. و ما باید از این بابت شکر نعمت الهی به جا آوریم.

زیبایی و جذابیت در اسلام یک نعمت بزرگ و یک ارزش است.

از این بابت ما نقطه مشترک با غرب داریم. غربی‌ها هم زیبایی و جذابیت را یک ارزش میدانند. تفاوت دیدگاه اسلام با دیدگاه غرب، در این است که در اسلام جذابیت و زیبایی جنسی یک ارزش زناشویی است، اما در غرب یک ارزش اجتماعی نیز هست.

این نقطه تفاوت دیدگاه اسلام با دیدگاه غرب است. در زناشویی البته زیبایی و جذابیت تنها ارزش حاکم نیست، همان‌طور که در جوامع غرب این تنها ارزش حاکم نیست. ما ارزش‌های مختلفی به عنوان ارزش اجتماعی داریم: علم، ایمان، تقوا، ادب، اخلاق، هنر، کارهای خیر و نیکی به دیگران و ... اما در اسلام زیبایی و جذابیت [جنسی] به عنوان یک ارزش زناشویی است و اسلام منع می‌کند که بخواهد به ارزش اجتماعی تبدیل شود. در حالی که در غرب به عنوان ارزش اجتماعی در کنار سایر ارزش‌ها و گاهی هم متأسفانه مهم‌تر از سایر ارزش‌ها مطرح است. و این تفاوت دیدگاه بین جامعه اسلامی و غرب در این رابطه است.

همان‌طور که عرض کردم اسلام زیبایی و جذابیت [فیزیکی] را یک ارزش زناشویی می‌داند و بر آن تأکید دارد حتی آن را یک ثواب می‌داند و برایش ثواب قرار داده است. آنقدر ازدواج در اسلام تأکید شده است و



کامجویی زن و مرد از هم و تأکید بر این بعد در روابط زناشویی و حتی تأکید شده که نماز افراد متأهل ۷۰ برابر نماز مجرد است.

اسلام تأکید دارد که این یک ارزش زناشویی در کنار سایر ارزش‌هاست؛ در عین حال تأکید دارد که این موضوع نباید به ارزش اجتماعی تبدیل شود. از دیدگاه اسلام و راه‌حلهایی که داده می‌شود، این محور مورد توجه است. این هم برای زن است هم برای مرد. هیچ‌کدام نباید این بعد جذابیت جنسی را به عنوان یک ارزش وارد روابط اجتماعی‌شان بکنند. بنابراین فلسفه اسلام و راه حل اسلام بر این اساس مبتنی است که جذابیت یک نعمت الهی است و یک اصل مثبت و یک ارزش اما در رابطه زناشویی است. اما در روابط اجتماعی اگر بخواهد وارد شود یک ضد ارزش است. اینجاست که راه‌حل‌ها بر اساس این ارائه می‌شود. من قبل از اینکه بگویم چرا اسلام حجاب را برای زن و مرد قرار داده، برای شما آزمایشاتی که غربی‌ها در این رابطه انجام دادند ذکر می‌کنم.

من مثال آزمایشاتی را که در رابطه با کشف راز خلقت در مورد آن آفت‌ها و آن گربه در استرالیا زدم.

### آزمایشات علمی بر روی انسان در مورد تحریک پذیری

حالا آزمایشاتی که روی انسان در غرب و توسط غربی‌ها انجام شده خدمت شما عرض می‌کنم.

آزمایش موضوعش این بوده که مرد و زن چگونه تحت تأثیر این جذابیت متقابل قرار می‌گیرند. نتیجه آزمایشات در اینجا به درد ما می‌خورد.

آزمایشاتی بوده، دستگاه‌هایی بوده که به مغز، به قلب و به بخش‌های مختلف بدن وصل کردند. در جلوی چشم و با آزمایشاتی که روی مردان و زنان انجام دادند، و نمودارهایی را گرفتند و این نتیجه را استخراج کردند و به این نتیجه رسیدند که مرد با نگاه خود [لذت بصری] تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اما زن مثل مرد

با نگاه نیست یا درجه‌اش خیلی پایین‌تر است. عرض کردم که جذابیت جنسی یک نعمت الهی است. حتی این خصوصیت‌ها که در مرد و زن وجود دارد این هم یک نعمت الهی و تقدیر الهی و لطف الهی بوده که اگر درست از آن استفاده شود بهره‌مندی شامل انسان در روابط سالم زناشویی می‌شود و روابط اجتماعی را هم سالم نگه می‌دارد. در نفس وجود انسان این جذابیت گذاشته شده. چه کار کنیم؟ چه راه حلی بدهیم که این ارزش در زناشویی باشد و تأکید هم بر آن بشود اما وارد روابط اجتماعی نشود؟ اینجا به عنوان یکی از راه‌های مهم البته در کنار سایر راه‌ها مسئله حجاب قرار داده شده هم برای زن هم برای مرد. هر دو باید وقتی وارد اجتماع می‌شوند این جنبه را کنار بگذارند و بدون این جنبه وارد روابط اجتماعی شوند. اما میدانیم که نوع حجاب برای مرد و زن متفاوت است. چرا متفاوت است؟ چون نوع خلقت زن و مرد متفاوت است. چون مرد با نگاهش تحت تأثیر قرار می‌گیرد بنابراین پوشش زن باید کامل باشد. اگر این‌گونه بود که زن هم مثل مرد با نگاه تحت تأثیر قرار می‌گرفت، آن وقت برای مرد هم لازم می‌شد که پوشش کامل‌تری داشته باشد. بنابراین تفاوت بین حجاب زن و مرد به خاطر تفاوت در نوع خلقت و راز خلقت زن و مرد است. اما هر دو یک چیز را دنبال می‌کند و آن این است که جذابیت جنسی به عنوان یک ارزش زناشویی باقی بماند و وارد روابط اجتماعی نشود.

به نظر من خیلی این اصل زیباست و تأثیرات بسزایی در روابط اجتماعی و زندگی زن و مرد و در زندگی خانواده و در پیشرفت و در همه چیز یک کشور و ملتی می‌تواند داشته باشد. اگر زنی از این زیبایی یا جذابیت کم بهره بود، آیا به خاطر این باید در جامعه ملامت بشود؟ آیا باید ارزش اجتماعی او خدشه دار بشود؟ اسلام می‌گوید: نه. می‌گوید ارزش اجتماعی زن به مدل ابرو، چانه و بینی، رنگ پوست و قد و وزنش نیست. ارزش اجتماعی زن که نباید به این‌ها باشد. ارزش زن به ایمانش، به عملش، به وقار و جاهتش و به کارهای نیکی که می‌کند، به ادب و هنرش است. یک جامعه ای که ارزش زن و مرد به جذابیت‌های جنسی‌اش نیست واقعاً برای زندگی زنان و مردان جامعه مطلوبی است. خیلی زیباست فلسفه

اسلامی در مورد زن و مرد. یک جذابیت جنسی و متقابل و زیبایی در روابط زناشویی از این بعد مطرح است. حجابی که در اسلام مطرح شده برای نامحرم است و برای محرم نیست. بین زن و شوهر حجابی نیست. لذا می‌بینیم راه حل اسلام یعنی حجاب راه حل مناسبی است و مبتنی است بر راز خلقت بشر و بر این اساس که جذابیت جنسی نباید یک ارزش اجتماعی باشد و این بسیار زیبا است.

در واقع حجاب یعنی آزادی روابط اجتماعی. زنی که حجاب بر تن دارد یا مردی که حجاب را آنطور که اسلام خواسته رعایت می‌کند، یعنی بعد جذابیت جنسی‌اش را از روابط اجتماعی حذف می‌کند، یعنی احساس کمبودی در ابعاد دیگر نمی‌کند.

من این بحث را هر وقت با غربی‌ها مطرح کردم، احساس کردم که تا اینجا را خیلی می‌پسندند و جلو می‌آیند و شیفته می‌شوند. ممکن است در مورد راه حلش که حجاب است مسئله داشته باشند. کسانی که به اسلام می‌گروند کسانی هستند که راه حل را پذیرفته‌اند. البته اگر این راه حل و علل آن خوب شناخته شود، به نظر من زمینه برای جذب دیگران به اسلام بسیار فراهم می‌شود. در حقیقت حجاب پوشش زیبایی‌هاست، پوشش جذابیت است، به خاطر همین هم می‌بینیم که این جذابیت‌هایی است که به جذابیت متقابل زن و مرد مربوط می‌شود. مثلاً اگر زنی آنقدر مسن بود که دیگر امید ازدواجی نداشت، آن زن مثل بقیه زن‌های جوان لازم نیست که حجاب را رعایت کند. یا اگر زنان در محفل زنانه و غیبت مردان زیبایی‌هایشان را جلوه دهند، منع شرعی وجود ندارد، چون این زیبایی دیگر بعد جذابیت جنسی ندارد، یعنی این حالتی که بین زن و مرد است، بین زن و زن نیست. بنابراین زیبایی جنسی نباید وارد ارزش اجتماعی شود. لذا اگر کسی لباسی بپوشد که از گل‌های زیبایی در تزئینش استفاده شده، این تزئین در این بعد اثر منفی ندارد و خلاف شرعی صورت نگرفته است. در ایران می‌بینیم خانم‌ها در منزل در مقابل غریبه‌ها چادری می‌پوشند که معمولاً طرح‌هایی دارد اما این زیبایی چون زیبایی جنسی نیست منع نشده است. کسانی که حجاب را قبول ندارند در حقیقت آنها مایل هستند که زیبایی به عنوان ارزش اجتماعی

مطرح شود. اما همین افراد اگر زشتی‌هایی داشته باشند، سعی می‌کنند آن زشتی‌ها را به هر طریقی بپوشانند. مثلاً اگر زنی دچار بیماری گری شده باشد و حجاب را هم قبول نداشته باشد، به هر طریقی شده آن عیب را می‌پوشاند. در حالی که فلسفه حجاب پوشش زیبایی‌ها و جذابیت جنسی است. به همین لحاظ هم در اسلام ازدواج یک امر بسیار مثبت، حلال و مستحب است و ثواب زیادی برای آن قرار داده شده است. ما میدانیم که اسلام ازدواج را خیلی سهل گرفته و از زمانی که زن و مرد یا دختر و پسر فیزیک بدنشان اجازه این ارتباط را می‌دهد، اسلام آن را اجازه داده و یک خطبه خیلی کوتاه شرط ازدواج است. برای دختر موافقت پدر و دو شاهی که آنجا حضور داشته باشد.

این سختگیری‌هایی که در ایران است برمی‌گردد به عرف جامعه ایرانی، وگرنه اسلام سخت نگرفته و خیلی هم تسهیل کرده و ثواب هم در این راستا قرار داده شده است.

### حجاب حضرت مریم (س)

من در صحبت‌هایی که با غربی‌ها داشتم در مورد مسئله حجاب، گاهی به موضوع حجاب حضرت مریم (س) اشاره کردم. میدانیم که در کلیسا های غرب از دیرباز و در مجسمه‌هایی که از حضرت مریم طراحی می‌کنند، او را با پوشش کامل نشان می‌دهند. مثل همین چادر خودمان. به آنها می‌گویم که این حجابی که ما مسلمان‌ها به آن معتقد هستیم، همان حجابی است که حضرت مریم (س) داشته است. من یادم می‌آید که یک بار در موزه لوور فرانسه داشتم بازدید می‌کردم. عکسی را دیدم



که یک نقاشی بود مربوط به قرن‌های پیش، در آن عکس حضرت مریم (س) با تعدادی از حواریون با حجاب کامل و در کنارش زنانی بدون روسری که با هم مشغول صحبت بودند. من این را حتی به دفتر امور زنان ریاست جمهوری دادم و گفتم این نقاشی از بعد نقاش که در قرن‌های خیلی پیش کشیده شده،

نشان می‌دهد که این حجاب حضرت مریم (س) یک حجاب عرفی و رایج در آن کشور نبوده است و اگر بود بقیه زنان هم باید حجاب داشته باشند. اما این تصویر کشیده شده، زنان محجبه را در کنار زنان غیر محجبه در منظر عمومی نشان می‌دهد. بنابراین حجاب حضرت مریم (س) یک حجاب عقیدتی بوده است.<sup>۲</sup> امروزه ما هیچ جا نمی‌شنویم یا نمی‌بینیم یا نمی‌خوانیم که مثلاً قد حضرت چقدر بوده و یا وزنش چقدر بوده، قیافه‌اش چه شکلی بوده؟

البته در کلیساها بستگی دارد به این که از چه نژادی باشند، معمولاً نقاشان آن کشور حضرت مریم را که تصویر می‌کنند، هم‌رنگ نژاد خودشان تصویر می‌کنند. مثلاً در اروپای شمالی او را زاغ تصویر می‌کنند و در خاورمیانه او را با چهره تیره و مشکی تصویر می‌کنند. حضرت خاورمیانه ای بوده است. اما به هر حال آنچه که برایشان مطرح نبوده، قیافه و ظاهر و این مسائل بوده. هر چه مطرح است از معنویت، اخلاق، ادب و ایمان مطرح است. البته اخیراً در جوامع غربی من دیده‌ام نقاشی‌هایی که می‌کشند، آرایش می‌کنند، لباس را یک مقدار باز می‌گذارند. این هم مال فساد است که امروزه در جوامع مطرح است و متأسفانه چنین تصاویری را از حضرت ارائه می‌دهند.



به هر حال یک همچنین تصویری هرگز نبوده و هیچ کلیسایی حضرت را بی حجاب نشان نمی‌دهد. در حقیقت ما می‌توانیم بگوییم حجابی را که امروزه خواهران روحانی مسیحی دارند، اقتباس از اوست.

<sup>۲</sup>- در انجیل هم بر رعایت حجاب زنان تاکید شده است:

«خواهانم که زنان پوشش شایسته بر تن کنند و خویشتن را به نجات و متانت بیاریند، نه به گیسوان بافته یا طلا و مروارید یا جامه‌های فاخر، بلکه به زیور اعمال نیکو آراسته شوند، چنان که شایسته‌ی زنانی است که مدعی خداپرستی‌اند.»

## دانش آموزان مدرسه ای در ایتالیا

اما نکته ای را بگویم و آن این است که من در ابتدای انقلاب در ایتالیا، در یک دبیرستان مختلط سخنرانی داشتم و فلسفه حجاب و زن را در آنجا گفتم. وقتی که فهمیدند در جامعه اسلامی قد و وزن و این جور چیزها ملاک ارزش نیست، احساس کردم که خیلی مورد توجه قرار گرفته است. به خصوص مورد توجه دختران دبیرستانی، چرا که اگر کسی آنجا قدش کوتاه باشد، مثلاً فرض کنید مدل چانه‌اش یا پیشانی یا بینی‌اش با مد روز آنجا نخواند، باید همواره احساس حقارت کند. احساس کردم که اگر چند جلسه دیگر با آنها داشته باشم، این زمینه وجود دارد که آنها مسلمان شوند.

## حجاب دختر فراری از حجاب

من خاطره ای تعریف کنم از یک دختر ایرانی که این دختر بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به ایتالیا آمده بود. از او می‌پرسند که چرا به اینجا آمده ای؟ می‌گوید وقتی در ایران حجاب اجباری شد، من نمی‌خواستم زیر بار این حجاب اجباری بروم و به ایتالیا آمدم. این دختر بعد از مدتی در آنجا روسری سرش کرده بود.

گفتند تو که از حجاب فرار کردی پس چرا اینجا حجاب سر کردی؟ اینجا که اجباری نیست. گفت: من در ایران که بودم ته خط را نمی‌دانستم. اینجا که آمدم دیدم که ته خط چه فاجعه ای است و بنابراین تصمیم گرفتم برگردم به فرهنگ جامعه خودم. موارد زیادی بوده که این اتفاق در غرب افتاده، کسانی که در ایران حجاب نداشتند اما وقتی به اروپا آمدند حجاب را رعایت کردند. چرا که ته خط را دیده‌اند.

من یک مقدار اگر اجازه بدهید از ته خط برای شما تعریف کنم با توجه به



اینکه من مدت طولانی در ایتالیا بودم از ۱۸ سالگی تا ۲۸ سالگی. یک چند سالی برای تحصیل و چند

سالی هم به عنوان رایزن مطبوعاتی بعد از انقلاب و شناخت مستقیمی از ایتالیا و صاحب جوامع غربی دارم.<sup>۳</sup>

### اثر تبدیل جذابیت جنسی به ارزش اجتماعی

در جامعه ای که ارزش های اسلامی حاکم نباشد، در جامعه ای که زیبایی و جذابیت ارزش اجتماعی باشد، چه اتفاق می افتد؟ وقتی زیبایی یک ارزش اجتماعی شد افراد تلاش می کنند تا خودشان را به این ارزش نزدیک بکنند و مورد احترام جامعه قرار گیرند.

سینما، تلویزیون، روزنامه ها، مجلات، عکس، فیلم این ها همه می آیند از بین زنان زیبا، افرادی را انتخاب می کنند، زیباترین ها را و این ها را با کلک های سینمایی، تصویری زیبا تر از آنچه که هستند، جلوه می دهند و مرتب این را به



عنوان الگو مطرح می کنند.

در یک همچنین شرایطی خود آن زن واقعیتش غیر از آن تصویری است که از او جلوه می کند.

ما وقتی عکس می گیریم، آن عکس را روتوش



<sup>۳</sup> - در کتاب خود تحت عنوان «زن در اسلام و غرب» به این موضوع پرداخته ام.

می‌کنند و خیلی جوان تر از آنچه که هستیم در عکس جلوه می‌دهد. این چروک‌ها را با کارهای فنی از بین می‌برند و فرد خیلی جوان‌تر جلوه می‌کند. این اتفاقی است که در سینما و فیلم می‌افتد. خود این زن با واقعیتش فاصله دارد.

در این شرایطی که این زن‌ها با این شیوه تبلیغات به الگو تبدیل می‌شوند، چند درصد از زنان می‌توانند خودشان را با این الگو تطبیق دهند؟ من خدمت شما عرض می‌کنم ۹۹۹ در ۱۰۰۰ هم نمی‌توانند در این رقابت خودشان را به آن الگو نزدیک کنند. فرض



کنیم که یک درصد خیلی کوچکی در اوج جوانی و زیبایی بتوانند خودشان را نزدیک کنند، وقتی این جوانی سپری می‌شود چه اتفاقی صورت می‌گیرد؟ اینجا عقده شدید حقارت در جوامع غربی خودش را بروز می‌دهد؛ به خصوص بین خانم‌ها. مثلاً آماری که ارائه شده راجع به لوازم آرایشی که خانم‌ها بکار می‌گیرند برای آنکه در این مسابقه شرکت کنند و احترام اجتماعی برای خودشان ایجاد کنند، ۱۶۰ میلیارد دلار است. بازار ۱۶۰ میلیارد دلاری یعنی چند برابر اوج در آمد نفتی جمهوری اسلامی ایران در سال صرف لوازم آرایش می‌شود.

### بیماری چهل سالگی زنان

یک بیماری در غرب است به نام بیماری چهل ساله‌ها (کوآرانتنه Quarantenne)، یعنی زنان چهل ساله. این زن در سن چهل سالگی زیبایی‌اش در اوج سرایشی قرار می‌گیرد، یعنی از دست دادن زیبایی شیبش تندتر می‌شود. به نسبتی که شیب از دست دادن زیبای‌اش تندتر می‌شود و به نسبتی که زیبایی‌اش را از



دست می‌دهد، احترام و ارزش اجتماعی‌اش کاهش پیدا می‌کند. و زن‌ها در این سن معمولاً دچار بحران می‌شوند و به روانشناسان مراجعه می‌کنند و اوج کار و کاسپی روانشناسان در چهل سالگی زنان است. <sup>۴</sup> مرتب باید به آنها تلقین کنند که نه تو ارزشت باقی است. ولی خوب با واقعیت وفق نمی‌دهد. حس می‌کند و می‌فهمد که این‌گونه نیست و دچار بحران می‌شود.

در جامعه اسلامی ما هرچه سن زن بالاتر می‌رود، احترامش در جامعه بیشتر می‌گردد، اما در غرب هرچه سن زن بالاتر می‌رود، از این بعد احترامش در جامعه کمتر می‌شود. ما باید قدر سلامت جامعه خودمان را بدانیم و هرگز افسوس جوامع غربی را نخوریم.

### **علل پیشرفت غربی‌ها**

ممکن است بعضی‌ها مطرح بکنند که جوامع غربی پیشرفت‌هایی را داشته‌اند. زن‌ها در علم و این جور مسائل پیشرفت کردند. این پیشرفت‌هایشان به خاطر این جنبه کار نیست، به خاطر این است که در آن کشورها، کار و مطالعه هم به عنوان ارزش اجتماعی مطرح است و به خاطر این ارزش که خوشبختانه پررنگ است. این عوامل، ساعت مفید کاری، ساعت مطالعه است که باعث پیشرفت آنها شده، نه مفاسد اخلاقی و اجتماعی. وقتی ایمان حاکم نباشد خیلی مسائل پیش می‌آید.

### **آثار خودآرایی زنان در جامعه**

حالا زنی که خودش را آرایش می‌کند و عرضه می‌کند، شاید برای نامزدش این کار را بکند، شاید برای همسرش این کار را بکند، اما متوجه نیست که خلقت انسان این‌گونه بنا شده که مرد با نگاه تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

---

<sup>۴</sup> - در سالهای اخیر به سن سی سالگی رسیده است.

این زنی که خودش را برای شوهرش آرایش کرده وقتی وارد جامعه می‌شود، هزاران چشم نامحرم او را می‌بیند. اگر زن جوان و زیبا باشد این تأثیر می‌گذارد، چه بخواد چه نخواهد و چه حتی آن آقایان بخواهند تحت تأثیر قرار بگیرند یا نخواهند. بالاخره خلقت انسان است. خوب اگر کسی که به هوس می‌افتد به این زن مراجعه کند، این خانم ناراحت می‌شود و با آنها برخورد می‌کند چون به قصد تحریک آنها این کار را نکرده ولی این اتفاقی است که می‌افتد. فرض کنیم این مردی که زنی دارد که پا به سن گذاشته، در خیابان زنان جوان را می‌بیند و با زن خودش مقایسه می‌کند و این کانون خانوادگی سست می‌شود. کسانی که تحریک می‌شوند و طبیعتاً این خانمی که خودش را آرایش کرده، حاضر به انجام روابط زناشویی با بیگانه نیست. این مردها چه بکنند؟ این‌ها احياناً میل پیدا می‌کنند که به سمت زنان خودفروش بروند یا ممکن است تحریک شوند و به تجاوز روی بیاورند. در حقیقت بسیاری از خانم‌هایی که خودشان را و زیبایی‌هایشان را در سطح جامعه به هر انگیزه‌ای عرضه می‌کنند، این‌ها باعث رواج فحشا و فساد می‌شوند. این‌ها باعث این می‌شوند که در جامعه تجاوزاتی صورت بگیرد، عده‌ای تحریک بشوند و کانون‌های خانواده سست شود و طلاق در خانواده‌ها آمارش افزایش یابد. بدون اینکه بخواهند و بدون اینکه قصد این کار را داشته باشند، اما نتیجه کارشان این می‌شود. در حقیقت حجاب اگر رعایت بشود برنده اول و بیشترین امتیاز را خود زن می‌آورد. زنی که اجازه نمی‌دهد به دیگران که به این نگاه بهش نگاه کنند، زنی که اجازه نمی‌دهد با نگاه هوس‌آلود به زیبایی‌هایش نگاه شود، این خیلی زیباست، خیلی حرمت است، خیلی وقار است از یک زنی که چنین اجازه‌ای را به نامحرم نمی‌دهد. اگر بخواهیم مقایسه کنیم و یکی از فرق‌هایی که در ایران و غرب وجود دارد، اگر در ایران مرد نامحرمی برود سراغ زنی و به او بگوید شما نیست.

حال اگر در جامعه اسلامی مرد نامحرمی به زنان مراجعه کرده و مثلاً بگوید چه اندام زیبایی دارید! آن زن بهش برمی‌خورد و برافروخته می‌شود و اهانت تلقی می‌کند و می‌گوید به تو چه راجع به اندام من صحبت می‌کنی؟ اما در غرب اگر چنین حرفی به خانمی زده شود تشکر می‌کند چون تعریف شده، چون

احساس کرده چیزی را که خودش فکر می‌کند ندارد دیگری در او یافته. این یکی از فرق‌هایی است که به خوبی مشهود است.

## فمینیست‌ها در غرب

البته در غرب هم اعتراضاتی به این وضع هست. نهضت‌های فمینیستی در غرب هستند که می‌گویند: مگر زن نمایشگاه متحرک است که بخواد خودش را آرایش کند و عرضه کند. آنها اعتراض می‌کنند به اینکه برای فروش کالاها، تولیدکنندگان یا بازرگانان از زنان برهنه استفاده می‌کنند و برای فروش کالاهایشان از جذابیت زن استفاده می‌کنند. لذا این نهضت‌های فمینیستی، یکی از انواعشان، از آرایش خودشان امتناع می‌کنند و می‌گویند: ما بازیچه مرد نیستیم که بیاییم و خودمان را آرایش بکنیم و بخواهیم زیباتر جلوه کنیم. در حقیقت یک قدم به حجاب اسلامی ما نزدیکتر شده‌اند و حتی این موج مخالفت با سوء استفاده از زن آنقدر بالا گرفت که در پارلمان اروپا هم قانونی در دست تدوین بود که استفاده از جذابیت زنان در تبلیغ و فروش کالاها منع شود. البته صاحبان صنایع و تولیدگران اعتراض کردند و گفتند: اگر این قانون تصویب شود و ما نتوانیم از زن در تبلیغات استفاده بکنیم، این به بازار ما و تولید و سود ما لطمه می‌زند.

خیلی حقارت است که زنان این‌گونه مورد سوء استفاده قرار بگیرند. اگر در غرب یک زنی بخواد برود در یک کفش فروشی شاغل شود، می‌گویند باید ظاهر آراسته داشته باشد. یعنی چه؟ یعنی اینکه تو خودت را زیبا جلوه دهی تا مشتری به هوای تو بیاید آنجا و کفش بخرد. به نظرم این توهین بزرگی است به خانم‌ها.

## ادواردو و تبلیغات کالاها

از ادواردو صحبت کردیم. خاطره ای از او بگویم. او از ارزش‌های رایج در جامعه‌اش دور شده بود و می‌گفت من خیلی از این ارزش‌ها را قبول ندارم. برای من مثال زده بود از کمپانی پدرش، برای فروش ماشین یکی از تبلیغاتی که مطرح کرده بودند این بود که مثلاً یک جوانی با نامزدش سوار یک ماشینی

هستند و می‌روند پشت چراغ قرمز می‌ایستند. جوان دیگری با این نوع ماشینی که این‌ها می‌خواستند تبلیغش کنند تنها بوده و او هم می‌رود کنار آن ماشین پشت چراغ قرمز می‌ایستد. آن دختر وقتی آن ماشین را می‌بیند از ماشین نامزدش پیاده می‌شود و سوار ماشین جدید می‌شود. یک همچنین تبلیغاتی در آنجا وجود دارد. دختری به خاطر ماشینی نوتر، شیک‌تر و گران‌تر نامزدش را رها می‌کند و به طرف جوان دیگری می‌رود. این‌ها در جوامع غربی تأثیر خودش را می‌گذارد و این اتفاق بالواقع می‌افتد. به هر حال جنبه‌های مختلفی است در مسئله زن و حجاب در اسلام.



### جامعه غیر دینی

اگر دین حاکم نباشد و اگر ارزش‌های دینی حاکم نباشد، خیلی مسائل پیش می‌آید. آدم حالش بهم می‌خورد. در جوامعی که دین را کنار گذاشتند، فساد سر تا پای آن جامعه را گرفته است.

ما می‌گوییم ازدواج بین زن و مرد است. چرا؟ چون دین می‌گوید. و اگر دین نباشد چرا ازدواج بین زن و



مرد؟ همین چیزی است که در غرب اتفاق افتاده است. در هلند قانون گذاشتند که دو مرد هم می‌توانند با هم ازدواج کنند و تشکیل خانواده بدهند. همان موقع در پارلمان هلند وقتی این قانون می‌خواست تصویب شود، یک عده اعتراض کردند و گفتند این با دین ما مغایرت دارد. گفتند: اینجا حکومت دین نیست، اینجا دیگر شورای نگهبانی وجود ندارد که بخواهد

قوانین را با دین تطبیق دهند. اکثریت تصویب کردند و تصویب شد. و چون این زوج تشکیل شده‌اند از دو مرد و بچه دار نمی‌شوند، مثل هر خانواده دیگری که بچه دار نمی‌شوند، در اولویت هستند برای اینکه سرپرستی بچه های یتیم را به عهده بگیرند. این قانون هم به صورت مکمل در هلند تصویب شد. البته مختص به هلند نیست. چنین قوانینی الآن دارد در کانادا و آمریکا هم تصویب می‌شود. یک عده اعتراض می‌کنند. اما در آنجا چون دین حاکم نیست، هر چه اکثریت مجلس بگوید همان تصویب می‌شود و در حقیقت ماجرای قوم لوط می‌خواهد تکرار شود.

هر چقدر پیامبر الهی بر زشتی کار آنها تأکید می‌کرد. آنها می‌گفتند ما خدایی قبول نداریم و به حرف‌های تو اعتقاد نداریم و کار خودشان را ثواب می‌دانستند. الآن در غرب فحشا به عنوان یک شغل محسوب می‌شود. خودفروشی زن و خودفروشی مرد. در ایتالیا در کنار خیابان‌ها زنانی هستند و مردانی هستند با لباس زنانه

## ازدواج همجنس‌گرایانه وزیر امور خارجه آلمان



که خودفروشی می‌کنند. این‌ها از نظر دولت و قانون آنجا کارشان هیچ اشکالی ندارد. این‌ها فقط باید دو امر را رعایت بکنند. یکی بهداشت را باید رعایت بکنند مثل بقیه مشاغل دیگر و دیگر اینکه این درآمدی که از فحشا و خودفروشی دارند، باید سهم دولت یعنی مالیاتش را بپردازند. اگر این کار را بکنند مثل بقیه مشاغل دیگر از همه حقوقی که آنها برای افراد جامعه قائل هستند برخوردار می‌شوند. مثلاً در غرب زنان فاسد و خودفروش و مردان فاسد و خودفروش هم می‌توانند خودشان را کاندیدای مجلس و ریاست

جمهوری بکنند و رأی بیاورند. و در خیلی از کمیسیون‌ها و پارلمان‌های غربی و به خصوص در کمیسیون‌های حقوق بشر، این‌ها حضور فعال دارند.

## ازدواج با حیوانات

اگر دین نباشد به اینجا فقط ختم نمی‌شود. از این بدتر اتفاق می‌افتد که در غرب اتفاق افتاده است. چه کسی

گفته که روابط جنسی فقط باید بین زن و مرد باشد؟ نه بین مرد و مرد هم می‌تواند باشد. و اصلاً بین انسان و حیوان هم می‌تواند باشد. چه کسی گفته رابطه با محارم زشت است؟ دین گفته. می‌گویند اصلاً ما دین را قبول نداریم. لذا رابطه با محارم در غرب فاجعه به بار آورده است.



من راجع به این جور چیزها نمی‌خواهم صحبت بکنم. باید در بسته تر راجع به این مسائل صحبت کرد. به هر حال تجاوز در آن کشورها به زنان به دختران بیداد می‌کند. آماری بود که از هر سه زن به یکی‌اش تجاوز شده. خیلی آمار عجیبی است. زنا با محارم به حد بالایی رفته است. یک آمار من دیده بودم که خود ایتالیایی‌ها منتشر کرده بودند که از هر چهار دختر یکی از آنها اولین ارتباطش با محارمش بوده است.

این ته خطی است که بعضی‌ها می‌روند آنجا و متوجه ابعادش می‌شوند و برمی‌گردند به سمت اسلام و مسلمان می‌شوند.

این بحثی بود که خلاصه تر از این من با پسر میلیارد در ایتالیایی، پسر میلیارد در شراب فروش<sup>۰</sup> مطرح کردم و گره‌اش باز شد و همان روز مسلمان و شیعه شد.



اشخاصی مثل ادواردو آن وضعیت را دیدند و آن ارزش‌ها، در حقیقت ضد

ارزش‌ها را شاهد بودند که وقتی اسلام را پیدا می‌کنند حاضر نمی‌شوند مقابل اسلام به هیچ وجه کوتاه بیایند.



ادواردو حاضر نشد به خاطر دسترسی به آن ثروت عظیم، که درآمد خانواده‌اش دو سال قبل سه برابر اوج درآمد نفتی ایران در همان زمان بود، دست از اسلام



بکشد. برای اینکه در اسلام چیزی را می‌بیند که در غرب هرگز ندیده است و نمی‌تواند پاسخگوی نیاز واقعیت بشری که به دنبال حقیقت است باشد.

در اینجا من یکی دو مثال دیگری که فکر می‌کنم مناسب باشد را مطرح می‌کنم. این ماجرای را که می‌گویم مربوط به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی است.

<sup>۰</sup> - نام این فرد لوکا گائتانی لوانلی بود که حدود ۷ سال پیش وی نیز به دست صهیونیستها به شهادت رسید و قتل وی را نیز مثل قتل ادواردو آنیلی خودکشی جلوه‌دادند و حسد وی نیز مثل جسد ادواردو در زیر پلی شهادت رسید.

## ماجرایی مسلمان شدن دختری که ضد حجاب بود

من در سال ۱۳۵۳ بنیان‌گذار اولین انجمن اسلامی در ایتالیا بودم.



فعالیت گسترده ای کردم و در این فعالیت توانستم یک جوان ایرانی را جذب کنم. البته آن جوان مسلمان بود. مسلمانی که از ایران رفته بود و جذب آنجا شده بود و با یک دختر ایرانی هم همان‌طوری زندگی می‌کرد. این پسر که جذب شد، به من گفت اگر می‌شود بیایید با این دختری که با من هست هم صحبت کنید تا او هم به اسلام گرایش پیدا کند چون به شدت ضد اسلام و ضد حجاب است. من به منزلشان رفتم و با این دختر صحبت کردم. به توصیه و خواست دوست پسرش یا حالا نامزدش، این دختر گفت اولین کاری که برای نجات زنان در ایران باید انجام داد، باید حجاب را از سرشان کشید. از همین حرف‌هایی که رضاخان می‌زد او هم همان را تکرار می‌کرد. به شدت ضد حجاب زن بود و راه آزادی زن را این میدانست. من



گفتم که شما حاضر هستید که در یک بحثی با هم شرکت کنیم که ببینیم آیا از نظر استدلالی محکم هستی یا نه؟ ممکن است در مقابل استدلال من کم بیاوری. تحریکش کردم که از این بابت وارد بحث شود. گفت: نه من می‌توانم منطقی صحبت بکنم. گفتم ولی من در این بحث یک خواسته ای دارم که می‌خواهم شما این خواسته‌ها را برآورده کنید. گفت: باشد. البته با اصرار دوست پسرش قبول کرد. من گفتم که شما این رنگ‌ها را تشخیص می‌دهید؟ مثلاً این زرد است، این سبز است. گفت: بله. تعجب کرده بود که من چرا این سؤال را می‌کنم. گفتم: واقعاً تو ضد حجاب هستی و فکر می‌کنی که راه نجات زنان این است که حجاب باید از سرشان گرفته شود. گفت: بله من معتقدم که این عامل بدبختی و عقب افتادگی زن است. گفتم: حالا من از شما خواهش می‌کنم که یک روسری سر کنید. تعجب کرد و گفت چرا؟ نمی‌خواهم و مخالفت کرد.

بالاخره با اصرار دوست پسرش حاضر شد روسری سر کند.

گفتم: کاملاً سرت را بپوشان، یعنی آن حد حجاب اسلامی. این کار را کرد و گفتم حالا این رنگ‌ها را تشخیص می‌دهی؟ سبز و زرد و قرمز و.....

گفت: بله ولی این چه سؤالی است که شما می‌کنید؟ گفتم: هنوز فکر می‌کنی که حجاب مانع پیشرفت زن است و باید حجاب را از سرش کشید. گفت: بله من هنوز همین عقیده را دارم. گفتم: بنابراین این روسری که سر کردی دیدگاه و نگاه تو را تغییر نداد. جهان بینی تو را تغییر نداد. تشخیص رنگ‌ها و اطرافت را تغییر نداد. گفت: نه نداده است.

معمولاً در زمستان آن‌هایی که حجاب را هم قبول ندارند از ترس سرما یا برف و باران روسری سر می‌کنند. غربی‌ها هم روسری سر می‌کنند اما نه برای حجاب بلکه به خاطر گریز از سرما. گفتم: خوب پس شما اگر روسری سر کردید این سلول‌های مغزت را تحت تأثیر قرار نداده است. نگاه و دیدگاهت را تغییر نداده است. گفت: نه. گفتم: ولی من دیگر موی شما را نمی‌بینم. صورت شما را نمی‌بینم. فرقی که شد این

اتفاق افتاد. حالا من خواهش می‌کنم برو جلوی آینه و خودت را نگاه کن. امتناع کرد. به هر حال با اصرار دوست پسرش رفت جلوی آینه و نگاهی کرد. زن زیبایی هم نبود، دستش را گذاشت جلوی صورتش و صورتش را پنهان کرد. گفتم: از چه می‌ترسی؟ وحشت داری که زیبا نباشی؟ چه اشکالی دارد که جلوی من زیبا نباشی؟ جلوی شوهرت و نامزدت که روسری نباید سر کنی. این روسری مال نامحرم است در اسلام. اسلام می‌گوید شما زیبا باشی یا نباشی به من نامحرم مربوط نباید باشد و ارزش شما و ارزش اجتماعی زن به قیافه‌اش و مدل بینی‌اش و رنگ پوستش و این حرف‌ها نیست. ارزش زن به چیزهای دیگری است. همین بحثی را که خدمت شما مطرح کردم، یک مقدار با او مطرح کردم. بعداً این خانم پایش به انجمن باز شد و با زنان مسلمان هم آشنا شد. دید که زنان چقدر فعالیت می‌کنند، تحصیل می‌کنند، چه سخنرانی‌های زیبایی، چه قلم قوی دارند. این دیدگاهش عوض شد و روسری سر کرد و دوباره به اسلام روی آورد. و کار به جایی رسید که از فعالان مسلمان آنجا شد و می‌رفت در کلیساها و با جسارت می‌گفت که اگر شما مسیح هستید پس چرا حجاب حضرت مریم (س) را رعایت نمی‌کنید؟ آیا من مسلمان حجابم به حجاب حضرت مریم (س) نزدیکتر است یا شما زنان مسیحی؟ زندگی آنها خوشبختانه متحول شد. من موارد متعددی دیدم که این تحولات رخ داده.

عده ای به دست خود من مسلمان شدند، اعم از آقایان و خانم‌ها. از جمله یک خانواده ایتالیایی که شوهر معمار بوده، اول با آن معمار صحبت کردم و مسلمان شد و او خواست با خانمش صحبت کردم که مسلمان شد و یک مدت هم آمد ایران و مدتی در جهاد سازندگی همکاری می‌کرد.

به هر حال اگر ما بتوانیم اسلام را آنگونه که هست و به خصوص موقعیت زن و حجاب را آنگونه که هست تشریح کنیم، به نظر من خیلی از ذهنیت‌ها در غرب عوض می‌شود و همین واقعیت‌ها هست که باعث می‌شود غرب برای جلوگیری از نفوذ اسلام در جهان غرب رو به تحریف بیاورد و وقایع را تحریف کند. واقعاً معتقد هستم که اگر حقایق در مورد وضعیت زن در اسلام و غرب مطرح شود، خیلی‌ها

به خصوص زنان، گرایش به سمت اسلام پیدا می‌کنند و خیلی از این خانم‌هایی که می‌بینیم در غرب مسلمان می‌شوند این واقعیت‌ها را می‌بینند و مقایسه می‌کنند و به هیچ وجه نمی‌توانند خودشان را دور از اسلام قرار بدهند و می‌آیند و مسلمان می‌شوند و خیلی هم پایبند و معتقد می‌شوند. چون ته خط را در آن طرف مشاهده کرده‌اند.

### دیدار با خانم اوریانا فالاجی

خاطره دیگری از خانم اوریانا فالاجی نویسنده معروف ایتالیایی که شهرت جهانی دارد. او با حضرت امام(ره) مصاحبه ای داشته و بعد می‌خواست با بنی سعد مصاحبه کند. وقت گرفته بود. آمد سفارت و به من زنگ زد و گفت من ویزا می‌خواهم. من به او گفتم باید بیایی و با من



صحبت بکنی. گرچه مجوز از تهران صادر شده بود ولی من موکول کردم به صحبت با خودم.

آمد سفارت و گفت من امروز برای این از خانه بیرون آمدم که بیایم و با شما صحبت کنم و ویزا را بگیرم. یک آرایشی هم کرده بود. زنی ۴۰\_۵۰ ساله بود این مربوط به اول انقلاب بود که هنوز در ایران حجاب اجباری نشده بود. من از ایران از او پرسیدم. از نقاط مثبت و منفی. تأکید کرد بر



نقاط مثبت و منفی و از جمله نقاط منفی مسئله زن و حجاب در اسلام را تأکید کرد و گفت من به هیچ وجه این را نمی‌توانم هضم کنم. گفتم من برایتان توضیح می‌دهم. شما اول به من بگویید چند سالتان است؟ گفت:

این را که از خانم‌ها نمی‌پرسند. تعجب کرد. گفتم: از این بابت پرسیدم که بگم سن ما به هم نمی‌خورد! من ۲۷ سالم است و شما سنت بیشتر است. بیشتر تعجب کرد و گفت: منظورت چیست؟ گفتم: شما گفتید که از خانه آمدید فقط برای اینکه مرا ببینید. گفت: بله. گفتم: ممکن است بگویید برای چه کسی آرایش کرده‌اید؟ لاک ناخن زده بود. آرایشی کرده بود. من که برای این چیزها ویزا نمی‌دهم. برایم مهم نیست که تو زشت هستی یا زیبا هستی. سنت هم که برای من زیاد مهم نیست. برای من مهم این چیزی است که به قلمت جاری می‌شود راجع به ایران، من ویزا را به این می‌دهم و بعد بخشی از مطالبی را که خدمت شما عرض کردم، آنجا مطرح کردم و در پایان از او دعوت کردم در مراسم ۲۲ بهمن، سالروز پیروزی انقلاب اسلامی شرکت بکند و او هم دعوت را پذیرفت و آن روز در مراسم ما شرکت کرد. عرض کردم هنوز حجاب اجباری نشده بود و ما هم در سفارتخانه زنان را مجبور نمی‌کردیم که روسری سر کنند. بعد از اجباری شدن حجاب در ایران، این قانون در نمایندگی‌های ما هم اجرا شد. وقتی وارد محل مراسم شد به طرفش رفتم. دستش را به طرف من دراز کرد. او میدانست که ما دست نمی‌دهیم. من مانده بودم که او چرا دستش را دراز کرد. سلام و علیک کردم. او گفت: ببین به خاطر تو نه لاک ناخن زدم نه آرایش کردم.

در غربی که همه جور فساد در آن آزاد هست، ما می‌بینیم که تحمل حجاب اسلامی را در برخی از این کشورها نمی‌کنند. مثلاً در فرانسه دختر ۱۲-۱۳ ساله را، دختر مسلمانی که می‌خواهد حجابش را رعایت کند را تحمل نمی‌کند و او را از تحصیل محروم می‌کند. البته این مانع برای حجاب به روسری ختم نمی‌شود. ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه در سخنرانی‌اش اعلام کرد که اصول لائیسیته ایجاب می‌کند که تمام قوانین آن رعایت شود. از جمله در مدارس و از جمله در زنگ‌ها و کلاس‌های ورزش. یعنی زنان مسلمان، دختران مسلمان آنجا ناچار باشند در کلاس‌ها و ژیمناستیک با لباس‌های شنا و ژیمناستیک مطابق با معیارهای آنها در حضور آقایان و عنداللزوم بنا به تشخیص مدیریت مدرسه در جلوی دوربین‌ها آنها با آن لباس در مقابل نامحرم حاضر بشوند. خیلی برای اروپایی‌های خودم‌محور و به نوعی نژاد پرست سخت

است که مردمی از جهان سوم بیایند و به عقاید خودشان پایبند باشند. این خیلی برای ما افتخار است که وقتی رئیس جمهور ما و مقامات ما با همسرانشان به سفرهای خارجی می‌روند چادر سرشان است و وقتی همسران رؤسای جمهور سایر کشورها به ایران می‌آیند آنها هم ناچار باشند روسری سر کنند. ما باید از آنچه که داریم، از اسلامان، از ایمانمان خدا را شکر بکنیم. ما باید به حجاب زنانمان ببالیم. زنان ما باید قدر حجابشان را بدانند و بدانند یک زندگی سالم‌تر و آرام‌تری دارند. اگر زیبایی و جذابیت جنسی یک ملاک اجتماعی یا ارزش اجتماعی در جامعه نشود، خانواده‌ها خیلی پایدارترند. جامعه خیلی سالم‌تر است. زنان خیلی آسوده‌تر هستند. زمینه برای رشد زنانی که زیبایی را به عنوان یک ارزش اجتماعی نمی‌دانند یا به آنها تحمیل نشود، خیلی فراهم‌تر است، چون آنوقت باید خودشان را با ارزش‌های واقعی اجتماعی وقف بدهند و در آن پیشرفت بکنند. معمولاً هستند کسانی و در غرب هم این است که زنانی که از ابعاد مختلف احساس کمبود می‌کنند، سعی می‌کنند از این جنبه جبران بکنند.

ما ندیدیم زن دانشمند غربی یا از مقامات عالی غرب یا وزیرای زن، آرایشی غلیظ بکنند. در همین بیمارستان‌های خودمان مثلاً یک پزشک زن جراح؛ در بیمارستان علم پزشکی و جراحی ارزش غالب است و اگر پزشک زن آرایشی غلیظ بکند دیگر کسی جرأت نمی‌کند بیمارش را به این زن بسپارد، چون ارزش غالب علم پزشکی است. آن لباس سبز جراحی در آنجا ارزش است و زنانی که پزشک هستند احساس نیاز نمی‌کنند که خودشان را بخواهند این‌گونه



حداقل در آن محیط بیمارستان جلوه بدهند، حتی اگر اعتقادی به حجاب نداشته باشند. ما در جامعه ای که ارزش غالب آن علم و ادب و ایمان و کارهای خیر و هنر باشد و نه جذابیت جنسی، گرایش‌ها سیر می‌کنند به این سمت، رقابت‌ها و مسابقات در این بعد ایجاد خواهد شد و این جامعه خیلی سالم‌تر و زمینه پیشرفت بیشتری دارد. این بحثی است که ما همین‌جا با اجازه شما ختم می‌کنیم.

ابعاد دیگر و مطالب دیگری هم هست که در این رابطه می‌شود صحبت کرد که دیگر فرصت در اینجا نیست.

من فقط این را اشاره می‌کنم که تکثیر این برنامه برای همگان آزاد است. به صورت CD و ویدیو و هر چیز دیگری. هیچ مجوزی برای استفاده از این مورد نیاز نیست. من امیدوار هستم که این بحث توانسته باشد حداقل یک دریچه‌ای به ابعادی از مسئله اسلام و حجاب باز کرده باشد و امیدوارم که اثر مثبتی بر جا بگذارد و من دعا می‌کنم و آرزومندم که زنان ما سرآمد زنان عالم باشند، در همه ابعاد زندگی اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی، در علم، در ایمان، در کارهای خیر، در اختراعات و همه چیز دیگر. خوشبختانه اسلام اجازه نه به زن و نه به مرد که در این عرصه‌های جنسی و امثال آن نمی‌دهد که به رقابت بپردازند و این خودش ضامن سلامت جامعه و اجتماع است.

